مسئولیت اجتماعی و خلق ارزش‌های مشترک

سازمان‌های نیکوکاری نقطه عطف احیای آموزش‌وپرورش

شهیندخت خوارزمی . کارشناس آموزش‌وپرورش

نظام آموزش رسمی کشور که هم شامل آموزش‌وپرورش و هم آموزش عالی می‌شود، نه پاسخگوی نیازهای امروز است و نه نیازهای آینده. در جامعه ما مسئولیت اجتماعی با سنت نیکوکاری در هم آمیخته است. نیکوکاری بازتابی از میل ذاتی انسان به نوع‌دوستی و خدمت به دیگران است. در این راستا منابع مالی عظیمی در سازمان‌هایی که متولی جمع‌آوری نذورات، خیریه، وقف و صدقه هستند متمرکز شده است. حالا پرسش اساسی این است که ما چگونه می‌توانیم این منابع را که اساسا در خدمت آموزش نیستند، جذب کنیم و رقابت بی‌معنا بین نیکوکاری سنتی و جنبش مسئولیت‌های اجتماعی را از بین ببریم؟

می‌توان متولیان سازمانی نیکوکاری را به چند دسته تقسیم کرد. اول کمک‌های مربوط به نذورات و خیریه که سازمان اوقاف و تا حدی بهزیستی متولی آن است. دوم، نذورات و صدقاتی که کمیته امداد مسئولیت آن را دارد که خودش با تمام امکانات مالی و اقتدار لازم برای تأثیرگذاری روی مسائل و بعد نهادهای مذهبی مانند یک دولت است. سوم شکل دیگری از نیکوکاری است که من عنوانش را نیکوکاری معنوی گذاشته‌ام که شامل فعالیت نهادهای مدنی می‌شود؛ یعنی نهادهای مدنی که موضوع فعالیتشان مذهبی نیست.

سؤال اصلی این است که ما چگونه می‌توانیم این منابع را ترکیب کنیم تا بتوانیم یک جریان تحول عظیم برای رفع نقص‌های نظام‌های آموزش رسمی راه‌اندازی کنیم؟ مسئولیت اجتماعی در ایران هنوز ابتدای راه است و بنگاه‌ها اغلب راهبرد ندارند. برای مثال سایپا و ایران‌خودرو منابع زیادی را صرف فعالیت‌هایی می‌کنند که به نوعی مربوط به حل مسائل اجتماعی است اما اصلا تحت عنوان یک راهبرد مدون انجام نمی‌شود. در برخی از بنگاه‌ها منابعی تعریف شده که به منظور فرار از مسائل متعدد، صرف باج‌دهی به سازمان‌های دیگر می‌شود که البته یکی از آنها محیط زیست است. بعضی بنگاه‌ها هم این منابع را صرف مدرسه و ورزش و امور خیریه می‌کنند ولی مفهوم، اندیشه که خلق ارزش مشترک است هنوز برای مدیران عامل بنگاه‌ها به باور و دغدغه وجودی تبدیل نشده است. البته باید به یاد داشته باشیم که ما در ایران نمونه‌های درخشانی از مسئولیت‌های اجتماعی بنگاه‌های خصوصی داشتیم.

به نظر می‌رسد سه نقش را می‌توان برای آموزش در ایران در نظر گرفت. اول، ظرفیت‌سازی در جامعه برای تولید علم و تکنولوژی است. نقش دوم مربوط به تشکیل سرمایه انسانی برای بازار کار در جامعه ایران است و نقش سوم که بسیار مهم است، مربوط به آموزش و پرورش است که باید جوانان را برای زندگی بهتر در آینده آماده کند. در این زمینه باید به این سؤال‌ها پاسخ داد که سیاست‌های کلی نظام آموزش رسمی، آموزش‌وپرورش و آموزش عالی، آیا با ماهیت پدیده‌های علمی و تکنولوژی جهان امروز همخوانی دارد و از نظر محتوا به‌روز است؟ این سیاست‌ها بر آموزش کدام رشته‌های تکنولوژی تمرکز دارد؟ اساسا به انتقال دانش از طریق IT و پرورش خلاقیت علمی توجه می‌شود؟ روحیه جست‌وجوگری، کنجکاوی و کشف را تقویت می‌کند؟ نگاه علمی مهارت‌ها و روش‌های مهارت علمی را به دانشجویان و دانش‌آموزان یاد می‌دهد؟ آیا به دانشجویان و دانش‌آموزان کمک می‌کند تا خود را با این جریان پرشتاب نوشدن دانش و تکنولوژی همگام کنند؟ آیا فضای آموزشی ما خلاقیت‌پرور است یا خلاقیت‌کش؟ آیا طرح سؤال و شک تشویق می‌شود؟ آیا فرصت برای مشاهده، آزمایش و تجربه فراهم می‌کند؟ آیا واقعا کلاس‌ها به اینترنت مجهز است؟ بچه‌ها به فضای مجازی دسترسی دارند؟ اجرای پروژه‌های تیمی و شبکه‌سازی علمی در سطح جهانی از طریق فضای مجازی امکان‌پذیر است؟ سهم دانش‌آموزان ما در تولید علم و تکنولوژی جهانی چقدر است؟ اگر به کشورهای دیگر توجه کنیم، درمی‌یابیم که بسیاری از نوآوری‌های تکنولوژیک و سرنوشت‌ساز در سطح دبیرستان از دل پروژه‌های دانش‌آموزان درمی‌آید.

در مورد نقش دوم و تشکیل سرمایه انسانی برای بازار کار باید بدانیم که آموزش‌وپرورش نهاد انسان‌ساز است. زیرساخت فکری، رفتاری کودکان و نوجوانان را شکل می‌دهد. این‌جاست که باید دغدغه اصلی‌اش تشکیل سرمایه انسانی باشد. سرمایه انسانی، افرادی هستند که از این نظام خارج می‌شوند. خروجی نظام آموزش رسمی، مدارس و دانشگاه‌ها که خزانه‌ای از شایستگی‌ها، دانش، مهارت و تجربه و نگرش را داشته باشند، الگوهای رفتاری، ویژگی‌های شخصیتی، اخلاقی، مهارت‌های اجتماعی، قابلیت نوآوری خلاقیت و مدل‌های ذهنی است که به فرد کمک کند کارش را به شیوه‌ای انجام دهد که نه‌تنها برای خودش، بلکه برای سازمانی که کار می‌کند، ارزش بیافریند. بنابراین آموزش عالی باید بچه‌ها را برای ورود به بازار کار آماده کند. بازار کاری که شغل‌ها بر اساس تقاضا اهمیت پیدا می‌کند و تقاضا به‌شدت متأثر از تحولات تکنولوژی است. هر تکنولوژی جدیدی که وارد بازار می‌شود یک‌سری مشاغل را از بین می‌برد، یک‌سری مشاغل جدید را ایجاد می‌کند. این پویایی تکنولوژی است که بازار را به پدیده‌ای پویا تبدیل می‌کند. نظام آموزش و پرورشی که مدعی آماده‌سازی بچه‌ها برای بازار کار است، باید بتواند سیاست‌ها، فلسفه آموزشی و برنامه‌هایش را با واقعیت یک بازار پرتحول انطباق دهد.

سومین و البته مهم‌ترین نقش آموزش‌وپرورش، آماده‌سازی نسل حاضر برای یک زندگی باکیفیت است. نظام آموزش عالی باید به دانش‌آموزان کمک کند که ماهیت انسان، ارزش انسانی و ارزش زندگی را درک کنند و زندگی را به یک فرصت ازدست‌رفته تبدیل نکند و به قول خودشان نگویند ما نسل سوخته‌ایم. این نظام باید به دانش‌آموزان کمک کند جهان‌بینی داشته باشند و بتوانند فلسفه و معنایی در زندگی خودشان تعریف کنند. باید به آنها یاد دهد که چگونه استعدادهای بالقوه خودشان را شکوفا کنند و این منشأ اصلی رضایت عمیق از بودن است. آرمان داشته باشند چراکه اگر آرمان نداشته باشند، هدف نیز نخواهند داشت و هدف که نداشته باشند، هیچ‌چیز ندارند. متأسفانه هم خانواده و هم نظام آموزشی بچه‌ها را تک‌ساحتی و مبتنی‌بر دغدغه نمره، کنکور و موفقیت بار می‌آورد. آیا زندگی فقط همین است؟ شأن انسان چنین زندگی را می‌تواند بپذیرد؟ همه ابعاد وجودی باید کمک کند تا فرد پرورش پیدا کند؛ برای مثال در دانشگاه‌های فنی دنیا میزان مهارت هنری، عملکرد ورزشی و سابقه کار و مشارکت اجتماعی امتیاز بالایی را به فرد می‌دهد.

سؤال دیگر این است که آیا سازمان‌های نیکوکاری و شرکت‌هایی که مسئولیت اجتماعی دارند می‌توانند در کمک برای آماده‌سازی کودکان و نوجوانان برای یک زندگی بهتر نقشی ایفا کنند؟ به نظر می‌رسد که سازمان‌های نیکوکاری نیاز به تغییر پارادایم دارند. مشکل ما مدرسه‌سازی نیست درحالی‌که مشکل ما کیفیت آموزش است. مشکل ما نداشتن معلم است. آیا می‌توان بخشی از این منابع را صرف پرورش معلمانی بکنیم که بتوانند در تشکیل سرمایه انسانی به ما کمک کنند؛ معلمانی که بچه‌ها را برای زندگی بهتر آماده کنند؛ معلمانی که علم و تکنولوژی را بفهمند و بدانند که چگونه می‌شود فضایی فراهم کرد که در آن خلاقیت علمی و تکنولوژی رشد پیدا کند. خوشبختانه بستر برای ورود مردم، نهادهای مدنی و بنگاه‌های خصوصی که مدیران ارشدشان با تمام وجود دغدغه بهبود وضعیت جامعه را دارند، آماده است. باید یک شبکه درست کرد و در این شبکه درباره نیازهای واقعی آموزش گفت‌وگو شود و سپس تقسیم کار صورت بگیرد. مسائل به‌قدری پراکنده و پیچیده است که یک نهاد مدنی، یک ان‌جی‌او یا یک سازمان نمی‌تواند همه اینها را در دستور کار خود قرار دهد.

پیش‌دبستانی رسمی و اجباری شود

رسول پیروتی . آموزگار منتخب سردشت

مطالعات متعدد حاکی از ارتباط مستقیم، ارتقای مهارت‌های شناختی و تفکر انتقادی، رفع اختلالات زبانی، بهبود اضطراب، تعاملات و ارتباطات اجتماعی، قدرت سازگاری و تصمیم‌گیری، بهداشت روانی، موفقیت تحصیلی دانش‌آموز و هدف‌داری زندگی با آموزش‌های پیش‌دبستانی و با توجه به زبان مادری است. این امر متضمن توجه به حقوق اقلیت‌های فرهنگی و زبانی، بازنگری و اصلاح قوانین، احداث پیش‌دبستانی‌ها، برنامه‌ریزی و تخصیص سرمایه‌ها و امکانات و تسهیلات لازم با هدف محرومیت‌زدایی و توسعه عدالت آموزشی است. آیا در مدرسه منفعتی هم هست؟ آیا دانش‌آموزان سود می‌برند؟ یا والدین یا مربیان یا دولت؟ شاید هم هیچ‌کس سودی نمی‌برد. این پرسش مهمی است که باید به آن پاسخ داده شود. در حقیقت کودکانی که نتوانند قبل از ورود به دبستان، مشکلات زبانی و گفتاری خود را مرتفع کنند، در استفاده از زبان‌های رسمی آموزش‌وپرورش صدمه می‌بینند، درحالی‌که بیشتر برنامه‌های آموزش‌وپرورش مبتنی‌بر زبان است.

آموزش‌های پیش‌دبستانی باعث تقویت تصویر رشد زبان کودک می‌شود. این موضوع به‌خصوص زمانی اهمیت بیشتری دارد که محیط خانوادگی و اجتماعی امکانات کمتری دارد که متأسفانه بیشتر مناطق دوزبانه در ایران چنین وضعیتی را دارند. بنابراین برنامه‌های دوره آمادگی برای کودکان در خانواده‌های بی‌سواد مفیدتر است.

من در جهت رفع مسائل ذکرشده پیشنهاداتی را دارم که عبارت است از:

■ معاونت پیش‌دبستانی با حضور یک نماینده از هر زبان و فرهنگ صورت پذیرد و نماینده‌ها از همان فرهنگ بومی بوده و به ویژگی‌های فرهنگی آن منطقه مسلط باشند. همچنین انتخاب نماینده‌ها برحسب پارامترهای علمی و آکادمیک باشد.

■ پیش‌دبستانی اجباری شود و آمار دانش‌آموزان دوره پیش‌دبستانی نیز جزء آمار مدارس محسوب شود.

■ یکی از مسائل دیگری که در دوره پیش‌دبستانی داریم، بحث شهریه است. بهتر است در مناطق محروم و دوزبانه شهریه‌ها حذف شود. در این راستا دولت نیز سوبسیدهایی را ارائه دهد.

■ تشکیل کلاس‌های آموزشی برای والدین با این رویکرد که آنها را توجیه و قانع کنیم که کودکان را به پیش‌دبستانی بفرستند.

■ بیگانه‌شدن روستاها در مناطق حاشیه‌ای و خالی‌شدن آنها از سکنه یکی از مشکلات مناطق مرزی است. این روستاها حتی معلم هم ندارند. در حقیقت ایجاد هویت مشترک در این مناطق به واسطه هزینه‌کردن و سرمایه‌گذاری می‌تواند زمینه‌ساز تعلق باشد.

■ لزوم توجه به زبان مادری برای تحقق اهداف پیش‌دبستانی یک ضرورت است. این امر سبب می‌شود تا مسئولان مناطق محروم ملزم شوند تا فضای حیاتی را به معلمان باانگیزه بیشتر و فعالان عرصه تعلیم و تربیت واگذار کنند.

■ توجه به مطالعات تطبیقی و نمونه‌های موفق در کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته که سبب کاهش هزینه‌ها می‌شود.

■ طراحی محتوای بومی برای آموزش‌های این دوره.

■ به‌کارگیری مربیان مسلط به زبان مادری در مناطق دوزبانه

در نهایت اینکه مهم‌ترین پیشنهاد این است که نظام آموزش‌وپرورش دوره‌های پیش‌دبستانی را در برنامه‌های رسمی و اجباری خود منظور کند تا همه کودکان بتوانند از آموزش‌های این دوره استفاده کنند. برای این هدف، فراهم‌کردن شرایطی برای آموزش زبان با استفاده از اسباب‌بازی‌ها، تصاویر، کتاب‌های داستانی و اشیای گوناگون پیرامون کودکان و برگزاری کارگاه‌ها برای والدین بسیار ضروری است.

تاک

شهر دوستدار کودک

سیدمعید سیدی
کارشناس معماری

● جای کودکان به‌عنوان میراث‌داران آینده در طراحی فضای شهری بسیار خالی است. هرچقدر فضای شهر پذیرای کودکان باشد، آنان احساس تعلق بیشتری به آن خواهند داشت. فضای شهر در رشد جسمی، روحی و روانی کودکان بسیار تأثیرگذار است و به همین دلیل طراحی شهر «دوستدار کودک» در عصر حاضر نه‌تنها لازم، بلکه ضروری به نظر می‌رسد. بیش از یک دهه از گسترش اصطلاح «شهر دوستدار کودک» می‌گذرد، اما درک عمیق این عبارت نیازمند پژوهش‌های بیشتری است. متأسفانه در بیشتر شهرها، فضا و معماری بر اساس اصول زیبایی‌شناسانه بزرگ‌سالان شکل گرفته است و هدف از آن ارتقای زندگی بزرگ‌سالان است و می‌توان گفت که کودکان به‌عنوان شهروندان حائز اهمیت هیچ حق و حقوقی در طراحی شهرشان ندارند. به‌طورکلی، مفهوم «شهر دوستدار کودک» به این معنی است که دولتمردان شهرها را بر اساس علائق و خواست‌های کودکان نیز اداره کنند، بنابراین شهر دوستدار کودک به شهرهایی گفته می‌شود که در آن، حقوق اساسی کودکان؛ مانند سلامت، آموزش، حمل‌ونقل، حمایت و فرهنگ رعایت شود. براین‌اساس، کودکان به‌عنوان شهروندانی تعریف می‌شوند که حق اظهارنظر دارند. شهر دوستدار کودک تنها یک شهر خوب برای کودک نیست؛ بلکه شهری است که به وسیله کودکان ساخته می‌شود. نظر صاحب‌نظران این است که کودکان را در طراحی شهر دخیل کنیم، زیرا کودکان اغلب در جوامعی که تحت سلطه بزرگ‌سالان است، سرکوب می‌شوند. بر اساس تحقیقات و بررسی نقاشی‌های کودکان، مواردی مانند فضای سبز کافی و حضور طبیعت، هوای پاک، امنیت و سرزندگی، معیارهای مشترک اکثریت کودکان برای شهر دلخواهشان بوده است. برای ایجاد شهرهای دوستدار کودک باید ویژگی‌هایی مانند تأثیرگذاری کودکان در ساخت شهر، ارائه خدمات مناسب آموزشی، بهداشتی، اجتماعی، ایمنی، فضای سبز، محیط زیست سالم و فضای بازی را در نظر داشت. توسعه پایدار نیز یکی دیگر از ارکان اثرگذار در شهر دوستدار کودک است که بر اساس آن کودکان باید برای بیان خودشان با افراد جامعه تعامل مناسب داشته باشند. از آنجایی که نقاشی یکی از ابزارهای کودکان برای بیان خود است، وجود گالری و کارگاه‌هایی برای این نوع فعالیت‌های کودکان به منظور برقراری ارتباط با جامعه و برپایی نمایشگاهی از آثار آنان برای عموم اقدامی منطقی به نظر می‌رسد. در همین راستا، رویکرد جامعه‌شناختی نیز برای شهر دوستدار کودک اهمیت بسزایی قائل است و باور دارد که کودک یک فعال اجتماعی است که بخشی از شخصیت او در ارتباط با فضا شکل می‌گیرد و به همین دلیل فضاهای عمومی مانند خیابان، پارک و کوچه باید قابلیت برآورده‌کردن نیازهای زیستی، آموزشی و فراغتی کودک را داشته باشند. بنابراین در کلان‌شهرهایی مانند تهران لازم است شهرداری‌ها برای تحقق پروژه شهر دوستدار کودک علاوه‌بر ارتقای شرایط زیست‌محیطی عمومی، به فعالیت‌هایی مانند ساماندهی فضاهای عمومی و استانداردسازی مبلمان شهری، به‌ویژه وسایل خاص کودکان، ایمن‌سازی پیاده‌روهای شهری برای کودکان، اجرای پروژه‌های فرهنگی- اجتماعی و غیره بپردازند.

نگاه

کودکان امروز دوفضایی شده‌اند

مهدی نیامنش*

● ما در ایران ۸۰ درصد ضریب نفوذ اینترنت را داریم و ۴۰ میلیون گوشی هوشمند در کشور وجود دارد. علاوه بر این ۱۹ میلیون کودک و نوجوان به گوشی همراه دسترسی دارند. حتی در مناطق بسیار محروم نیز این مسئله رایج است.

در آمار دیگری بیان شده که ۶۰ درصد از پهنای باند کشور مختص تلگرام است. آمار پلیس فتا می‌گوید که ۶۰ درصد از روابط نامشروع کودکان و نوجوانان از فضای مجازی شروع می‌شود؛ درحالی‌که فقط ۱۷ درصد آموزش کودکان از طریق تلویزیون شکل می‌گیرد.

در روسیه آماری منتشر شد که اعضای یک شبکه اجتماعی که مختص کودکان و نوجوانان بوده با هم تصمیمی جمعی می‌گیرند و ۱۳۰نفر در یک زمان کم خودکشی می‌کنند. شش ماه بعد در ایران نیز مشابه این موضوع اتفاق افتاد و دو نفر با هم به این اقدام دست زدند. رصدی که من انجام داده‌ام نشان می‌دهد هر اتفاقی که در اروپا می‌افتد، سه سال بعد به ایران می‌رسد درحالی‌که در روسیه اگر اتفاقی بیفتد شش، هفت سال بعد در ایران رخ می‌دهد.

یک واقعیتی که وجود دارد این است که در خصوص استفاده از فضای مجازی، کودکان و نوجوانان از بزرگ‌سالان جلوترند و در استفاده از این ابزار دیجیتال پیشروتر هستند. درحالی‌که این کودکان در یادگیری مهارت‌های زندگی عقب‌اند. پدر و مادرها خودشان را عقب کشیده‌اند و مربیان و معلمان خود نیز در این راستا حرکتی نمی‌کنند. پدر و مادرها یا نسبت به این مسئله بی‌خیال می‌شوند یا اینکه با حساسیت زیاد سبب می‌شوند کودک هیچ فعالیتی نداشته باشد.

یک واقعیت تلخی که وجود دارد این است که کودکان فضای مجازی را باور دارند و ممکن است برای کودکان، فضای مجازی دنیای اول باشد و فضای حقیقی زندگی برای آنها در اولویت بعد قرار گیرد.

همین نوآموزانی که شما فکر می‌کنید به مدرسه می‌آیند برای آموزش‌دیدن و یادگیری، پیش از مدرسه خیلی مسائل را به غیر از نوشتن آموزش دیده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت اکنون کودکان دوفضایی شده‌اند.

*کارشناس فناوری اطلاعات

جدول ۳۳۵۲ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱ - تنها - پوشاکی زنانه - نمونه خروار است- لقب رئیس قبیله ۲ - ایالتی در آمریکا - گاهی روی کاسه است! ۳ - دو مصراع - پوشش محافظ که در جنگ بر تن اسب می‌کردند - خمیدگی کاغذ ۴ - سخاوتمند - طعم - جدی و سختگیر - چوب خوشبو ۵ - انگشت کوچک - گاو یالدار تبت - نشانی ۶ - مکمل زیبایی رو - فیلم زندگی حضرت موسی(ع) که توسط سسیل بی دمیل ساخته شد - ابزار لحیم کاری ۷ - از مراکز خدمات درمانی - جناح لشکر - سطل چاه ۸ - برج ششم فلکی - بلدرچین ۹ - سم حشره‌کش - رود خراسان شمالی - عنصری سمی برای مبارزه با آفات نباتی ۱۰ - قدرت - ترک دنیا و عبادت برای آمرزش گناهان - غذای رقیق ۱۱ - قتلگاه - نخ تابیده- به زیارت رفته ۱۲ - ظرف سفالی بزرگ - تیز و برنده - پول فلزی - نوعی نان تنوری ۱۳ - فتنه‌جو- غمگین - قوم ساکن شمال ایران ۱۴ - حالتی از روشنایی چراغ جلوی خودرو - پایتخت الجزایر ۱۵ - صندوقچه جواهرات - نصیب و بهره - در بازار بورس معامله می‌شود - مساوی.

عمودی:

۱ - ساز ضربی- تازه‌کار - نام دیگر پدیده جزر و مد ۲ - از ارتفاعات استان ایلام - تربیت‌کننده حیوانات اهلی ۳ - عنکبوت پشمالو - در نزدیکی - ردیف ۴ - بله روسی - محوطه بازی و مسابقه - خردها ۵ - حیوان نجیب - صمغ برخی درختان - برخی در خواب می‌کشند ۶ - عزیز و محترم - صافی - دلیل‌ها ۷ - ناچار - صدای خنده بلند - نوعی تسهیلات بانکی ۸ - شرکتی که سرمایه آن متعلق به چند نفر است- سال ۳۶۶ روزی ۹ - به‌رخ‌کشیدن نیکویی - مغازه‌دار - پول کاغذی ۱۰ - جمع شیخ - تهی‌مغز - حلقه نورانی اطراف چیزی ۱۱ - نگاه‌کردن - سرشار - کلمه پرسش ۱۲ - عامل - آسیاب دستی - باد سرد ۱۳ - کتف - شهری کوچک در شرق تهران - تازه و جدید ۱۴ - ورقه ژلاتینی جهت تکثیر نوشته‌ها با دستگاه پلی‌کپی - نوعی سیستم دفاعی در بازی‌های تیمی ۱۵ - سرشت - مجرای تهویه هوا - خوشنویس نامی عهد قاجار.

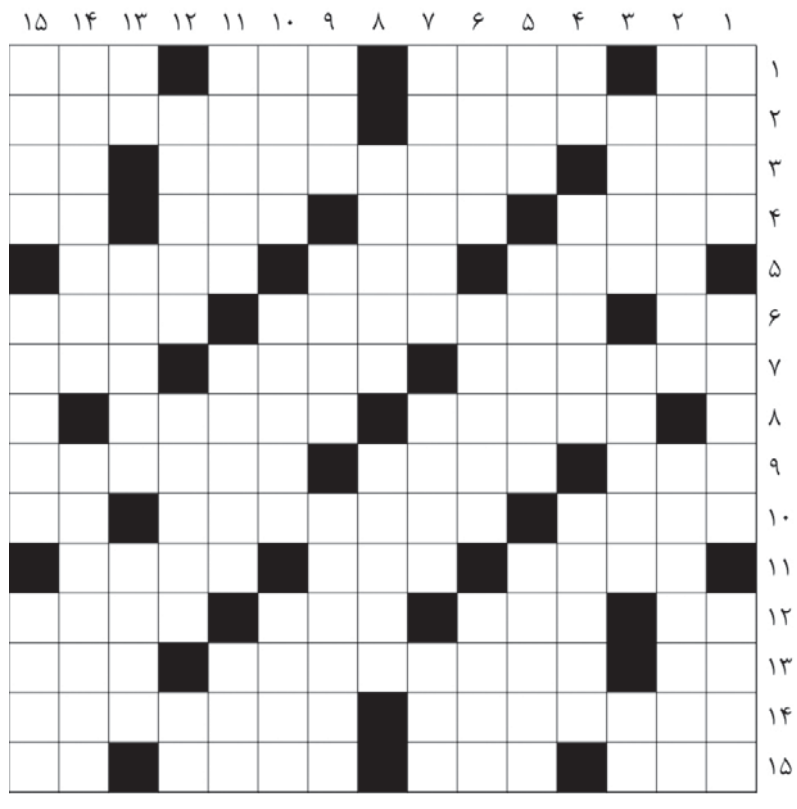

حل سودوکو سخت

۲	۱	۶	۴	۷	۸	۵	۳	۹
۵	۷	۳	۹	۱	۲	۸	۴	۶
۴	۹	۸	۵	۶	۳	۱	۲	۷
۷	۴	۹	۱	۸	۵	۲	۶	۳
۳	۸	۵	۷	۲	۶	۹	۱	۴
۶	۲	۱	۳	۴	۹	۷	۸	۵
۹	۶	۴	۲	۵	۱	۳	۷	۸
۱	۵	۷	۸	۳	۴	۶	۹	۲
۸	۳	۲	۶	۹	۷	۴	۵	۱

حل سودوکو ۲۳۴۷

۸	۲	۶	۷	۱	۵	۴	۹	۳
۷	۹	۴	۲	۳	۸	۵	۶	۱
۳	۵	۱	۴	۹	۶	۸	۲	۷
۴	۷	۲	۶	۸	۹	۱	۳	۵
۵	۳	۹	۱	۲	۷	۶	۸	۴
۱	۶	۸	۳	۵	۴	۲	۷	۹
۲	۸	۷	۹	۴	۱	۳	۵	۶
۶	۴	۵	۸	۷	۳	۹	۱	۲
۹	۱	۳	۵	۶	۲	۷	۴	۸

جدول ۳۳۵۱

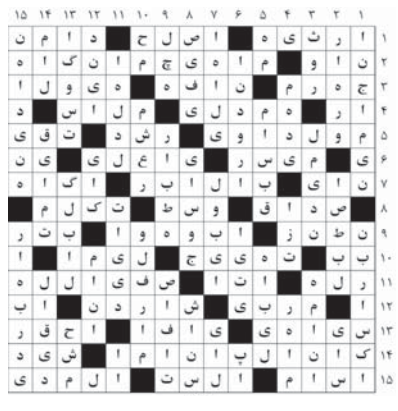

سودوکو سخت ۲۳۴۸

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۲				۸	۳		
	۳				۷			
۴		۱	۲					
۱					۳	۶		۴
		۸				۵		
۷		۳	۱					۸
					۵	۴		۲
			۷				۸	
		۴	۸				۶	

سودوکو ساده ۲۳۴۸

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۷		۳				۵	
۹		۴		۵	۱			۲
۸		۳		۹				
	۲	۱	۹					
۵			۴		۶			۹
					۸	۲	۷	
				۳		۶		۵
۳			۸	۶		۷		۱
	۱				۵		۹	